



زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است؛ و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید. با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و پیش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته ها آنقدر خاظره آفرین و پایدار است که همه تلخیا و ناکامیهای دیگر را از یاد می برد. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۸

حکایت دو لبخند

شایع است آیت الله از شاه هم پولدارتر هستند!

رسول صدرعاملی

بود که یک خبرنگار فرانسوی از ایشان پرسید، این خبرنگار گفت: شایع است آیت الله خمینی (ره) خیلی پولدار هستند و حتی از شاه هم بیشتر پول دارند. آیا این درست است؟! پس از اینکه قطب زاده این سوال را ترجمه کرد ایشان لبخندی زدن و اظهار داشتند من هیچ چیز ندارم و آنچه هم دارم متعلق به مردم ایران است. قبل از عزیمت آیت الله به ایران، رئیس ژاندارمری منطقه به حضور حضرت آیت الله شرفیاب شد و از این بابت اظهار خوشحالی کرد و اظهار تأسف از اینکه دیگر نمی تواند آیت الله را ببیند به غیر از او همسایگان آیت الله هم هدیه ای برای آیت الله دادند که عبارت بود از مقداری خاک فرانسه در یک شیشه کوچک. چند تن از خبرنگاران خارجی که در سفر همراه با آیت الله بودند تقاضای مشروبات

دانشجویان ایرانی و برگزاری نماز جماعت و خانه شماره سه مخصوص استراحت و خواب دانشجویان و دیگر یاران امام بود؛ در جلوی خانه های شمار یک و دو همیشه ۵۰ خبرنگار و فیلمبردار حضور داشت. هر خبرنگار و گزارشگری که تقاضای مصاحبه با حضرت آیت الله خمینی (ره) را داشت، می بایست حداقل از ده روز قبل وقت می گرفت. عده ای که باید دائماً خبر می فرستادند در آنجا دائماً حضور داشتند، آنها ناهار آبگوشت و تخم مرغ را با ایرانیان می خوردند. در ابتدا غذای میهمانان تخم مرغ پخته بود، اما با ابتکار یکی از افراد آبگوشت تخم مرغ که به جای گوشت تخم مرغ استفاده می شد به عنوان غذای روزانه میهمانان و حاضران هر روز سرو می شد و این سنت تا مراجعت امام به ایران ادامه داشت. کانال دوم تلویزیون فرانسه یکبار مصاحبه ای با اهالی محل نوفل لوشاتو کرده بود همه اظهار رضایت کرده بودند به جز یک کارمند شهرداری که کارش جارو کردن خیابان ها بود و یک دانشجو هم گفته بود امیدوارم دیگر ملت های در بند کشیده و مستعمره یک پیشوای مبارز مثل آیت الله خمینی داشته باشند.

یکشنبه بعد از ظهر فرانسویان می توانستند به دیدار آیت الله خمینی بروند البته در گروه های ۱۰ تا ۱۵ نفره و به همین خاطر همیشه در آن ساعات یک صف طولانی از فرانسویانی که برای دیدار از آیت الله خمینی (ره) به نوفل لوشاتو آمده بودند در جلوی خانه شماره یک به چشم می خورد.

اولین خبرنگاری که توانست از آیت الله خمینی (ره) عکس بگیرد که لبخندی بر لب داشت من بودم. این عکس در روزنامه اطلاعات چاپ شد. لبخند آیت الله خمینی (ره) به خاطر سوالی

کشورها توسط بچه هایی که دراختیار داشتند. سپس فرستادن خبر و پیام ها و اعلامیه های امام به ایران و سایر کشورها. ساعت ۸ صبح آیت الله کسانی را که با ایشان ملاقات داشتند به حضور می پذیرفتند. معمولاً این برنامه ها تا حوالی ظهر ادامه داشت و دراین وقت بیانیه یا پیام و اعلامیه امام دراختیار خبرنگاران قرار می گرفت یا به مراکز مخصوص فرستاده می شد.

امام مقارن ظهر برای خواندن نماز جماعت به خانه شماره دو می آمدند و پس از اقامه نماز جماعت به منزل خود بازمی گشتند و بعد از صرف ناهار حدود دو ساعت استراحت می کردند و بعد دوباره مشغول به کار می شدند تا ساعت پنج و نیم بعد از ظهر که وقت خواندن نماز مغرب و عشا بود. بعد از نماز تا نیمه شب کار می کردند و به گفته نزدیکان امام، از ساعت یک به بعد از نیمه شب برای خواب و استراحت به بستر می رفتند.

از دو ماه پیش از عزیمت آیت الله از پاریس به ایران روزی نبود که ایستگاه های مختلف رادیو و تلویزیون دنیا، نشریات و مجلات مختلف، خبر و مقاله و تعبیری درباره آیت الله خمینی و انقلاب ایران نداشته باشند و این خبر همیشه خبر اول آنها بود.

در پاریس سه خانه در اختیار امام خمینی (ره) بود. خانه شماره یک محل زندگی خانواده حضرت امام و فرزندانش بود. خانه شمار دو که روبه روی خانه شماره یک بود مخصوص اجتماعات



برنامه یک روز زندگی امام خمینی (ره) در پاریس به این ترتیب بود که ایشان بین ۴ تا ۶ ساعت خواب و استراحت داشتند و بقیه ساعات را به کار مداوم مشغول بودند. امام خمینی (ره) معمولاً پس از نماز صبح شروع به قرائت قرآن و مطالعه گزارش ها و خبرها می کردند.

معمولاً تا ساعت هشت صبح مطالعات ایشان ادامه داشت. در این جریان برنامه هایی که به زبان های مختلف از سراسر دنیا برای ایشان فرستاده می شد جواب می داد، این نامه ها توسط یک گروه هفت نفری از دانشجویان ایرانی که از آمریکا و انگلیس و آلمان به امام پیوسته بودند ترجمه شده و همراه با اصل آن به حضور آیت الله فرستاده می شد، این دانشجویان سواً ترجمه این نامه ها، ترجمه گزارش ها، مقالات روزنامه ها و مجلات مختلف جهان و نیز گزارش های خبرگزاری ها این افراد کارهای مهمتری هم انجام می دادند که عبارت بود از گرفتن اخبار نهضت از ایران و سایر

بی.بی.سی در انقلاب اسلامی ایران به دنبال چه بود؟

اصالح بحرانی

ولای از اواخر سال ۱۳۵۵

انقلاب اسلامی می توان به موارد زیر اشاره نمود:
۱- اولین دلیل پخش بخشی از اخبار انقلاب توسط بی.بی.سی را باید در همراهی آن با تغییر سیاست خارجی آمریکا با روی کار آمدن «کارتز» و حزب دموکرات دانست، فضای به ظاهر بازی که آمریکا برای کشورهای جهان سوم در نظر گرفته بود تا از گرایش توده های به خشم آمده از نظام استبدادی به سوی ایدئولوژیهای مارکسیستی و اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری نماید.

۲- سران استکبار جهانی هیچگاه گمان نمی کردند، رژیم ستمشاهی پهلوی آنقدر سست و بی بنیان باشد که بتوان به این سرعت آن را سرنگون نمود! به همین خاطر همراهی ظاهری رسانه های غربی از جمله بی.بی.سی می توانست از کینه و نفرت مردم از کشورهای غربی حامی نظامهای استبدادی بکاهد و در داخل نیز از خشم انقلابی ملت در براندازی رژیم کاسته شده و به نحوی آتش انقلاب ملت فروکش نماید و زمینه را برای تداوم حکومت دست نشانده پهلوی با تغییراتی صورتی فراهم آورد.

۳- تعطیلی اغلب مطبوعات داخلی، عدم همراهی صداوسیما رژیم پهلوی با ملت و بایکوت شدید خبری در این ایام، زمینه ساز مراجعه ملت به رادیوهای بیگانه برای پیگیری اخبار بود. در این بین بی.بی.سی در مقایسه با دیگر رادیوهای بیگانه رقیب با توجه به پیشینه نفوذ در ایران، از توانایی بیشتری برخوردار بود.

۴- نکته دیگری که دکتر مهدوی نویسنده کتاب «انقلاب ایران به روایت بی.بی.سی» نیز به آن اشاره دارد این است که هدف بی.بی.سی در آن هنگام نه پخش اخبار بود و نه حمایت از انقلاب مردم ایران! هدف بی.بی.سی تشویق یک آتاریسیسم عنان گسیخته، فراینده، دامنگستر برای هر چه بیشتر کردن خونریزی و اغتشاش در ایران، بود. به عبارتی با رادیکالیزه کردن نهضت امام خمینی (ره) دو حالت قابل تصور بود:

حالت اول آنکه با افزایش خشونتها، رژیم پهلوی و ارتش نیز دست به افزایش خشونت زده و با کشتار وسیع نهضت را سرنگون نماید. همانطور که در ۱۵ خرداد ۴۲ توانست نهضت را سرکوب نماید.

حالت دوم اینکه آتش خشونت و کشتار تا آنجا بالا بگیرد که در صورت پیروزی انقلاب نیز خشونت و درگیری تداوم یابد و کشور به سوی بحران داخلی و اقدامات تجزیه طلبانه و مسلحانه سوق داده شود.

۵- یکی دیگر از سیاستهای بی.بی.سی در این ایام، بزرگنمایی و وزن بخشی غیرواقعی به گروههایی بود که در مبارزات اسلامی ملت ایران نقش کلیدی نداشتند. بزرگ کردن مدعیان «خلقهای ستم کشیده» از گروهک منافقین تا چریکهای فدایی اقلیت و اکثریت و در دیگر سوی تا جبهه ملی و لیبرالها، مصاحبه با شخصیتهای درجه چندم و معرفی آنها به عنوان رهبران انقلاب، قرائت بیانیه ها و اطلاعیه های گروهکهای چند نفره که خود را نماد توده های ملت معرفی می کردند، از جمله این اقدامات برای تحریف نهضت و انقلاب بود.

۶- نکته دیگر قابل توجه در رفتار رسانه ای بی.بی.سی در انتخاب ایران این بود که بی.بی.سی و دولت انگلیس بر آن بود تا با ورود به حوادث ایران بتواند به نحوی سیاستمدارین اوضاع را به عهده بگیرد. انگلیس سابقه چنین اقداماتی را در کشورهای جهان سوم به کرات دارد به نحوی که در ماجرای مشروطه توانست وارد

بی.بی.سی و انقلاب اسلامی

ولای از اواخر سال ۱۳۵۵ مقارن با زمامداری کارتز و تغییر راهبرد سیاست خارجه امریکا و مجبور کردن شاه ایران به اعلام فضای باز سیاسی، لحن بی.بی.سی تغییر کرد و ابتدا با ملایمت و سپس با شدت بیشتر به انتقاد از کارهای رژیم خودکامه ی شاه پرداخت و در گفتارهای خود خواستار برقراری دموکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران شد.

در همین زمان اخباری از نهضت اسلامی پخش می شد که رسانه دیگری آن را نقل نمی کرد. پخش این اخبار در حالی که بایکوت خبری شدید در داخل کشور حاکم بود، منجر به این شد که مردم به تدریج به گوش کردن اخبار بی.بی.سی روی آورند. مردم با شنیدن این اخبار و تفسیرها مشاهده می کردند که به ظاهر انگلیسی ها شاه را رها کرده و از مخالفان وی جانبداری می کنند و از سوی دیگر مقامات رسمی دولت انگلیس بی در پی پشتیبانی خود را از شاه و رژیم او اعلام می کردند. در نتیجه این رفتار بود که این فکر در مردم

هدف آن آماده کردن ذهن ایرانیان به برکناری رضا شاه و تحول اوضاع سیاسی کشور بود. علت تلاش برای برکناری رضاخان برای همگان معلوم است که حاکم ساختن مردم به جای نظام استبدادی نبود، بلکه برکناری مستبدی بود که این بار علیه اربابان خود طغیان کرده و به جای انگلیس و شوروی، اینبار آلمان را به عنوان سرور خود برگزیده است. جایگزین وی نیز مستبد دیگری از تبار پهلوی بود که بهتر از پدر می توانست در این مقطع خدمت منافع بریتانیا باشد! در دوران جنگ جهانی دوم، بخش فارسی رادیو بی.بی.سی صرفاً به انتشار اعلامیه های جنگی و گفتارهایی در توجیه سیاست های زمان جنگ دولت بریتانیا می پرداخت و در واقع بلندگوی تبلیغاتی آن دولت بود.

بی.بی.سی و دشمنی با نهضت نفت در دوران نهضت ملی شدن نفت نیز رادیو بی.بی.سی باز همین سیاست را ادامه می داد و از هیچ گونه دشمنی نسبت به حکومت ملی دکتر مصدق و نفاق افکنی در میان ایرانیان و تحریک مخالفان دولت

بررسی دلائل پخش اخبار انقلاب ۱۳۵۷ از رادیو بی.بی.سی

حضور بیش از دو قرن کشور استعمارگر انگلستان در منطقه خاورمیانه و سرزمین ایران، زمینه شکل گیری نفرتی عمیق از سیاستها و رفتارهای این کشور را در دل ملت منطقه و بلاخص مردم ایران اسلامی را فراهم آورده است، به نحوی که در پس هر فتنه و خیانتی نگاهها به سوی انگلستان کیچ شده است. در این بین همه شخصیتها و مجموعه های وابسته به انگلیس نیز در اذهان عمومی جامعه مورد اتهام بوده و هستند. یکی از بنگاههای وابسته به انگلستان که سابقه غیرقابل قبولی در اذهان عمومی دارد، بی.بی.سی است. بی.بی.سی نیز در طول تاریخ شکل گیری همواره مورد بی اعتمادی ملت بوده و در مقاطعی ملت ایران از باب اضطراب به آن روی آورده اند.

در مقابل برای رفع این بدنامی! استعمارگر پیر تلاش داشته تا با انحاء مختلف این ذهنیت شکل گرفته را تغییر داده و خود را دلسوز و علاقمند به ملت ایران نشان دهد، کشوری که مبتنی بر صداقت و حسن نیت با ایرانیان مواجه شده است!

یکی از ادعاهایی که در راستای تطهیر اقدامات خائنانه بی.بی.سی مطرح می شود، آن است که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی بی.بی.سی با پخش اخبار صحیح و منصفانه، نقش موثری در پیروزی نهضت اسلامی مردم ایران داشته است؟!

این ادعاها زمانی شایع شده و گسترش می یابد که تلویزیون بی.بی.سی فارسی شش ماه قبل از انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران آغاز بکار کرده و یکی از رسانه های تاثیر گذار در گسترش فتنه در انتخابات و حوادث پس از آن بوده است، به نحوی که جایگاه ویژه ای در سناریوی کودتای مخملین دشمنان انقلاب اسلامی می توان برای بی.بی.سی لحاظ نمود.

طرح چنین ادعایی در این مقطع زمانی، درباره پیشینه تاریخی بی.بی.سی با هدف اعتمادسازی برای مخاطب ایرانی مطرح شده و تلاش دارد تا این باور عمومی که «در پس هر فتنه ای در ایران ردپای انگلیسیها مشاهده می شود» را کم رنگ نماید! در حالی که مروری بر پیشینه تاریخی بی.بی.سی به خوبی آشکار می سازد که گزاره فوق با این سادگی قابل ابطال نیست.

شکل گیری بی.بی.سی

بنگاه سخن پراکنی انگلستان (British Broadcasting Corporation) که مخفف آن بی.بی.سی است، در سال ۱۹۲۷ تأسیس شد و انحصار برنامه های رادیو و سپس تلویزیون در سراسر انگلستان به آن واگذار گردید. در آغاز کلیه ی هزینه های این سازمان در بودجه ی عمومی کشور منظور و به وسیله ی وزارت خارجه پرداخت می شد، ولی در سالهای بعد مالیاتی معادل یک لیره در سال از هر دستگاه رادیو و سه لیره از هر دستگاه تلویزیون از مردم اخذ و به بی.بی.سی پرداخت شد. در سال ۱۹۵۲ انحصار پخش برنامه های تلویزیونی از بی.بی.سی باز پس گرفته شد و در ۱۹۷۰ نیز با شروع به کار رادیوهای خصوصی و محلی، انحصار پخش برنامه های رادیویی از آن سلب گردید. اما برای اینکه بی.بی.سی بتواند با رادیوهای مزبور رقابت کند، تا حدودی آزادی عمل در گفتارها و تفسیرهای خبری به آن داده شد.

بی.بی.سی فارسی، زمینه ساز ورود متفقین به ایران از جمله برنامه های خارجی، برنامه به زبان فارسی بود که در شهریور ۱۳۲۰، مقارن با حمله ی متفقین به ایران تأسیس شد و

عرصه شده و با استحال«نهضت عدالتخانه» به «مشروطه»، رهبری و هدایت کار را از دست روحانیت و ملت به در آورده و روشنفکران وابسته به خود را در صدر کار قرار دهند.

۷- یکی از مسائلی که منجر شد تا این مسئله قوت یابد که بی.بی.سی در ماجرای پیروزی انقلاب اسلامی همراه و همگام ملت مسلمان ایران بوده است، اظهاراتی بود که شاه مخلوع در این زمینه ابراز داشته است. محمدرضا که گمان نمی کرد ملت انقلابی بتواند به این سرعت حکومت توخالی اش را سرنگون نمایند و به حمایتهای کشورهای غربی دلخوش داشت، بعد از فرار از کشور عدم حمایت لازم کشورهای غربی را علت اصلی سقوط خود می دانست و در اظهارات متعددی نسبت به رفتار این کشورها اظهار نارضایتی کرد. یکی از دلائلی که وی مطرح می ساخت حمایت بی.بی.سی از انقلابیون بود.



روی خط خاطره

طاهره سجادی:

مردم تا صبح در خیابان ها ماندند. از همان شب و روز بعد، کلانتری ها یکی پس از دیگری به دست مردم افتاد. در خیابان دولت بعد از سقوط کلانتری ۳، دو تن از پاسبان ها که خیلی ترسیده بودند، به منزل یکی از اقوام ما که در نزدیکی کلانتری بود آمده، از آنها کمک خواستند. لباس های خود را با لباس هایی که صاحب خانه به آنها داده بود، عوض کردند و به خانه های خود رفتند. در روز ۲۲ بهمن در بیشتر نقاط تهران مثل پادگان ها و رادیو و تلویزیون و مراکز پلیس درگیری بود. خواهرم به ما اطلاع داد که در خیابان پیروزی، درگیری بین افسران و همافران نیروی هوایی و گارد شاهنشاهی به شدت ادامه دارد، مردم به کمک پرسنل نیروی هوایی رفته اند. در آن روز خانم هایی که خانه های شان در حوالی پادگان بود، با شیشه هایی که جوانان به آنان می دادند، کوکتل مولوتف می ساختند و آنها را پشت در می گذاشتند تا برای حمله به تانک های گارد به کار گرفته شود. تا بعد از ظهر تمام مراکز از جمله ساختمان رادیو و تلویزیون به دست مردم افتاد. از رادیو شنیدم که گوینده گفت: «این صدای انقلاب اسلامی ملت ایران است.»

بعد از سقوط رژیم شاه و از بین رفتن مراکز پلیس و کلانتری ها، مردم و روحانیون بدون پلیس شهر را اداره می کردند و آب از آب تکان نخورد.